

The Future Processes and Scenarios of Iran- Russia Relation Based on Caspian Energy Transfer

Ein-Allah Keshavarz Tork¹ – Mohammad Naser Adib-Mehr^{2*}

Abstract

The effective process and driving forces in relation between Iran and Russia confront with different evolutions, which cause to new kind of cooperation. Russia opposed to The West during the last decade in different fields such as crises in Ukraine, Kosovo, Georgia (separation of south Ossetia), deployment of America's Missile shield in Czech, expanding NATO to East, etc. Caspian (Khazar) Energy issue is one of the other challenges between Russia and the West. Gas pipeline from Caspian to Europe through Russia, Baku-Tbilisi-Ceyhan pipeline and Nabucco pipeline are components which impress the relation between Russia and Europe. As Europe is looking for other energy sources, breaking dependence to Persian Gulf energy, so Caspian energy sources are very important. Of course infiltration of America and Europe in Caspian domain, Caused to discord in their strategy of exporting energy. In this situation convergence between Iran and Russia – often are the same toward Europe – is too effective. So the processes and scenarios for would be convergence between Iran and Russia – according to politic- economic evolutions and Caspian Energy Market – were clarified by the method of critical uncertainty.

Keywords: Caspian Energy Transfer, Future Scenario, Russia.

-
1. Assistant Professor, Dpt. Future Research, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
 2. *Master of Political Science and Lecturer, Payam Noor University, Qazvin, Iran.
Corresponding Author: (mnadib@yahoo.com)



روندها و سناریوهای آینده روابط ایران و روسیه مبتهی بر انتقال انرژی خزر

عین‌اله کشاورز ترک^۱ - محمدناصر ادیب مهر^{۲*}

چکیده

روندها و پیشران‌های تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه با تحولات متفاوت روبرو شده است و بستر نوینی را برای همکاری‌های دو کشور مهیا نموده است. در دهه گذشته روسیه در عرصه‌های مختلفی با غرب به تقابل برخاست که بحران اکراین، بحران کوزوو، بحران گرجستان (جدایی اوستیای جنوبی)، استقرار سپرموشکی آمریکا در چک، گسترش ناتو در شرق و... از جمله این تقابل‌ها محسوب می‌شود. یکی از عرصه‌های مهم دیگر که تقابل جدی روسیه و غرب را به دنبال داشته انرژی خزر است. خطلوله انتقال گاز خزر به اروپا از طریق روسیه، خطلوله باکو - تفلیس - جیهان و خطلوله نابوکو مؤلفه‌هایی هستند که بر روابط روسیه و اروپا تأثیر بسزایی دارند. با توجه به رویکرد جدید غرب برای یافتن منبع انرژی جدید و خروج از وابستگی به انرژی خلیج فارس به نظر می‌رسد منابع انرژی خزر نقش راهبردی را ایفا خواهد نمود. نفوذ آمریکا و غرب در کشورهای ساحلی دریای خزر موجب شقاق بین استراتژی آنان با روسیه برای صدور انرژی شده است. در این بین، همگرایی ایران و روسیه که اغلب مواضع مشابهی در قبال غرب اتخاذ کرده‌اند می‌تواند نتایج مثبت و اثرگذاری به دنبال داشته باشد. لذا بر اساس آینده تحولات سیاسی - اقتصادی منطقه و بازار انرژی خزر، روندها و سناریوهای همگرایی آینده ایران و روسیه با استفاده از روش عدم قطعیت بحرانی شناسایی و تبیین شده است.

واژگان کلیدی: انتقال انرژی خزر، سناریوهای آینده، روسیه، ایران، همگرایی.

۱. استادیار گروه آینده پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۲. * کارشناسی ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه پیام نور، قزوین، ایران نویسنده مسئول:

(mnadib@yahoo.com)

مقدمه

پیشینه روابط ایران و روسیه به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. ایران و روسیه دست‌کم در پانصدسال گذشته روابط پرفرازونشیبی با یکدیگر داشته‌اند. با نگاهی گذرا به رژیم‌حقوقی دریای خزر و رویه کشورهای ساحلی این دریا برای فروش انرژی می‌توان به این نتیجه رسید که یک گسیختگی و تکروری در این زمینه به چشم می‌خورد، بدین معنی که هریک از کشورهای این حوزه به صورت جداگانه قرارداد فروش نفت با شرکت‌های نفتی غرب منعقد کرده‌اند. از طرفی حمایت آمریکا از خطلوله نفت، باکو-تفلیس - جیهان نشان داد که عزم این کشور برای بهره‌گیری از انرژی خزر بدون حضور ایران و روسیه بسیار جدی است، بنابراین می‌توان گفت: همکاری ایران و روسیه برای مهار غرب در بحث انرژی خزر بسیار با اهمیت و اثرگذار به نظر می‌رسد. دو کشور ایران و روسیه برای انتقال انرژی خزر علاوه بر همکاری‌های فنی نیازمند تعریف یک سازوکار نوین هستند تا بتوانند بر اساس آن همگرایی و همسویی خود را تدوین کنند؛ بنابراین این همگرایی در قالب یک کنسرسیوم انرژی می‌تواند نتایج ارزنده‌ای به دنبال داشته باشد.

اکنون که تحولات روابط بین‌الملل به سمت‌وسویی رفته است که منافع جمهوری اسلامی ایران در بستر این تحولات قابل تأمین و دسترسی است باید از این فرصت برای رسیدن به این منافع، نهایت بهره‌برداری را کرد. سؤالی که در این تحقیق مطرح است این است که با توجه به عزم دو کشور ایران و روسیه برای صدور انرژی خزر، آیا سناریوهای آینده بازار انرژی خزر می‌تواند تسهیل‌گر همگرایی ایران و روسیه در ایجاد ساختارهای جدید در این حوزه باشد؟ در این تحقیق تلاش شده تا به این سؤال پاسخ داده شود. بنابراین حضور ایران و روسیه در کنار یکدیگر برای صدور انرژی خزر علاوه بر همگرایی بین دو کشور، موجب تقویت مواضع سیاسی و افزایش قدرت دیپلماتیک و اقتصادی آنان در برابر غرب نیز خواهد شد.

۱- مبانی نظری و مفهومی

از منظر رهیافت واقع‌گرایی، از کنت والتز^۱ تا نظریه‌پردازان دیگر که به این رابطه (ایران و روسیه) پرداخته‌اند؛ باید اذعان داشت که این نظریه‌پردازان در نگاه نظری به دوره پس

1. Kenneth Waltz

از جنگ سرد به رابطه ایران و روسیه اشاره می‌کنند. والتز همچنان با تأکید بر مفهوم سنتی موازنه، روسیه و چین را به‌عنوان قدرت‌هایی که در مسیر حرکت نظام تک‌قطبی به چندقطبی یکی از جریان‌های مقابل آمریکا هستند، مورد توجه قرار می‌دهد. فرض والتز این است که رفتارهای یک‌جانبه آمریکا کشورهایمانند روسیه، چین و در نتیجه ایران را به سمت همکاری با یکدیگر سوق می‌دهد. والتز در تحلیلی که از فرایند شکل‌گیری موازنه قدرت جدید پس از جنگ سرد ارائه می‌کند، عمدتاً مفهوم سنتی موازنه یا موازنه سخت را که عمدتاً بر ایجاد تأسیسات نظامی، اتحادهای نظامی، انتقال فناوری نظامی و موارد مشابه تأکید دارد، مدنظر قرار می‌دهد در حالی که در دوره پس از جنگ سرد چنین تلاش‌هایی بیشتر از جانب خود آمریکا و نه از جانب سایر قدرت‌های بزرگ به‌ویژه چین و روسیه، دنبال شده است (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۵۹).

نظریه‌های نظریه‌پردازان واقع‌گرایی از سوی برخی تحلیلگران لیبرال به‌ویژه در ارتباط با موضوع روابط ایران و روسیه، با انتقادات جدی مواجه شده است. بروکز و آرنولد و لفرز^۱ در مقاله‌ای با نقد مفهوم موازنه‌نرم استدلال می‌کنند که چرا همکاری‌ها میان ایران و روسیه را نباید به حساب تلاش برای ایجاد موازنه گذاشت. به گفته ایشان روسیه دلایل زیادی، جدا از ایجاد موازنه در برابر آمریکا، برای برقراری روابط خوب با ایران دارد. این دلیل عمدتاً از طریق دو مفهوم منافع اقتصادی و امنیت منطقه‌ای توضیح داده می‌شود. نقد ایشان به مفهوم موازنه‌نرم نیز با وجود اینکه در کل تأمل‌برانگیز و مستند به شواهد تاریخی است، اما استدلال‌های متقابلی که این دو در مورد روابط ایران و روسیه مطرح می‌کنند نیز قابل استناد به تمامی ابعاد روابط دو کشور نیست. مفاهیم «امنیت منطقه‌ای» و «منافع اقتصادی» نیز به همان اندازه مفهوم موازنه‌نرم، می‌تواند بر مبنای شواهد تاریخی مورد چالش قرار گیرد (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۱).

۲- روابط بین ایران و روسیه

ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی، روابط دوجانبه را آغاز کردند و به تدریج در منطقه آسیای مرکزی، خزر و قفقاز به درک مشترکی از منافع متقابل رسیدند که مبنایی برای همکاری آن‌ها در این مناطق شد. خطر گسترش نفوذ قدرت‌های غربی و متحدان آنها در مناطق مزبور و سرایت بحران‌های موجود در منطقه به درون مرزهای دو

1. Arnold Wolferz

کشور موجب همکاری بیشتر تهران و مسکو شد (کرمی، ۱۳۹۷: ۸۶). افزون بر آن، باید به همکاری در حمایت از ائتلاف شمال افغانستان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ اشاره کرد که موجب شد آنها در مقابل حملات طالبان مقاومت کنند. در واقع، از نگاه تهران و مسکو حرکت‌های تندرو، اعم از قومی و مذهبی در مناطق مشترک میان دو کشور، منافع آنها را به خطر می‌اندازد و از این رو، در بسیاری از زمینه‌ها به یکدیگر نه به‌عنوان رقیب، بلکه چون همکار نگریسته و کوشش‌هایی برای حل‌وفصل مسائل به‌عمل آورده‌اند (کرمی، ۱۳۹۷: ۸۶).

زمینه‌های همگرایی بین ایران و روسیه را باید در دارایی‌ها و توانمندی‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و منافع مشترک آنها جستجو کرد. این دو کشور بالاترین سهم را از مجموع منابع طبیعی نفت و گاز دارا هستند. هر یک می‌توانند در عرصه دیپلماسی انرژی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه نقش مهمی ایفا نمایند. ایران و روسیه در مجموع ۲۰ درصد نفت و ۵۰ درصد از ذخایر گاز جهان را دارا هستند. در حال حاضر که حوزه خزر حدود ۲۵ درصد انرژی جهان را تأمین می‌نماید و حداقل تا پنجاه سال آینده مهم‌ترین منبع انرژی مکمل یا جایگزین نفت محسوب می‌شود، بدون نقش‌آفرینی این دو کشور قابل تأمین نخواهد بود.

موقعیت منحصربه‌فرد ایران در جنوب غرب آسیا و دسترسی بی‌واسطه آن به آبراه‌های بین‌المللی و مالکیت توأمان ذخایر چشمگیر نفت و گاز در دو حوزه استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر، جایگاه روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده و صادرکننده گاز جهان که فروش و انتقال گاز خود را به‌طور عمده از طریق خطوط لوله انجام می‌دهد و از نفوذ سیاسی بالایی در کشورهای آسیای میانه و همسایگان دریای خزر برخوردار است، فرصت‌های زیادی را برای همکاری اقتصادی با منافع راهبردی برای همه طرف‌های ذی‌نفع ایجاد کرده است. ذخایر نفت ایران و روسیه در حوزه دریای خزر بالغ بر ۲۰۰ میلیارد بشکه برآورد شده که حدود پنج برابر مجموع ذخایر سه کشور دیگر حاشیه دریای خزر است.^۱ تحقق طرح‌هایی از این قبیل، از جمله خرید گاز از ترکمنستان و سوآپ برق با ارمنستان و مشارکت ایران در تأمین گاز موردنیاز خط لوله نابوکو، مستلزم آگاهی و اراده مشترک بازیگران و دیپلماسی فعال منطقه‌ای و البته حمایت و نقش‌آفرینی روسیه است و در مجموع می‌تواند به همکاری و همگرایی در منطقه کمک کند. ظرفیت‌های همکاری و همگرایی در زمینه توسعه و فروش و انتقال گاز بین

1. Energy Statistical Review of World. 2009

کشورهای حاشیه دریای خزر نیز بسیار قابل توجه است. بخش اعظم ذخایر گاز این منطقه که حدود ۷۳ تریلیون مترمکعب هست، متعلق به روسیه و ایران است. این مقدار حدود هفت برابر مجموع گاز قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان است. از نظر تولید گاز نیز مجموع تولید این سه کشور در سال ۲۰۰۸، حدود یک‌هفتم مجموع تولید ایران و روسیه بوده است (قربان، ۱۳۸۹: ۴۵۸).

در صورت همکاری و هماهنگی بین کشورهای دارای گاز در حوزه دریای خزر، ایجاد یک شبکه انتقال گاز منطقه‌ای که از شبه‌قاره هند تا اروپا را تحت پوشش قرار دهد، کاملاً امکان‌پذیر است. فواید مترتب بر هماهنگی و اتخاذ سیاست‌های مشترک در این زمینه موجب گردید که ایران، روسیه و قطر همراه با چند کشور دیگر که مجموعاً ۷۰ درصد از ذخایر شناخته‌شده گازی جهان و بیش از ۴۰ درصد از تولید آن را در اختیار دارند^۱ از سال ۲۰۰۱ به این سو در گرد هم‌آیند و «مجمع کشورهای صادرکننده گاز» را تشکیل دهند؛ اگرچه این مجمع باگذشت یک دهه از زمان تأسیس خود، مراحل از تکامل و تثبیت سازمانی را طی کرده است، اما در عمل هنوز نتوانسته به یک سازمان تأثیرگذار در بازار گاز طبیعی تبدیل شود. باین حال، رایزنی منظم و مستمر بین اعضا درباره زمینه‌های همکاری از جمله برای شکل دادن به یک نظام قیمت‌گذاری برای گاز طبیعی، امنیت تقاضا، جذب سرمایه برای توسعه میادین گازی و نحوه تعامل با مصر ف‌کنندگان، همگرایی بین اعضا را تسهیل کرده و امکان نقش‌آفرینی این سازمان را در شرایط بحرانی و نوسانات حاد قیمتی فراهم آورده است. با عنایت به اینکه روسیه توانسته است با گسترش خطوط انتقال و صادرات گاز به اروپا از امنیت تقاضا از جانب کشورهای مسیر و مقصد در این قاره در میان مدت اطمینان حاصل نماید، به نظر می‌رسد مهم‌ترین هدفی که روسیه از عضویت و فعالیت در این مجمع (کشورهای صادرکننده گاز) دنبال می‌کند کنترل عرضه و در دست گرفتن قیمت در بازار جهانی گاز طبیعی و حفظ ثبات و امنیت تقاضای مؤثر از سوی مصرف‌کنندگان گاز به‌ویژه در اروپا و امریکا باشد. روسیه در دیپلماسی انرژی خود در قبال ایران به‌طور مشخص فعالیت در بخش‌های بالادستی نفت و گاز را دنبال می‌کند و همچنین خواستار مشارکت در احداث خطوط لوله صادرات گاز به بازارهای مصرف آسیایی است (قربان، ۱۳۸۹: ۴۶۱). روسیه

۱. در حال حاضر کشورهای الجزایر، ایران، بولیوی، ترینیداد و توباگو، روسیه، قطر، گینه استوایی، لیبی، مصر، نیجریه و ونزوئلا، یازده عضو رسمی این مجمع و قزاقستان، هلند و نروژ نیز اعضای ناظر آن هستند. اساسنامه مجمع کشورهای صادرکننده گاز در سال ۲۰۰۸ رسماً به تصویب اعضا رسید و دبیرخانه دائم آن در دوحه تشکیل شد.

به منابع انرژی و همکاری در صنایع نفتی ایران بسیار علاقه‌منداست، چرا که ایران چهارمین ذخایر اثبات‌شده نفت جهان (۱۱ درصد) را در اختیار دارد و در سایهٔ رفع تحریم‌ها می‌تواند در شمار چهار تولیدکننده بزرگ جهان قرار گیرد. در سال ۲۰۰۹ وزیر انرژی روسیه - سرگئی شاماتکو - بر اجرای پروژه‌های بزرگ‌تر نفت و گاز تأکید کرد. دو طرف بر سر اجرای ۱۵ طرح جدید نفتی و گازی در ایران و تأسیس شرکت مشترک نفت ایران و روسیه به توافق رسیده‌اند. آنها در پی استفاده از این ذخایر به سود مشترک، توسعهٔ یک راهبرد مشترک برای مشارکت در بازار انرژی جهان هستند. دو کشور در سال ۲۰۰۱ مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۱ متشکل از ۱۳ کشور تولیدکننده بزرگ گاز باهدف ارتقای منافع متقابل را تأسیس کردند. (صادقی و مرادی، ۲۰۵). این کشورها حدود ۶۷ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند. در سال ۲۰۰۸ در راستای کنترل قیمت گاز ساختاری مشابه اوپک را با همراهی قطر به شکل تروئیکای گازی تشکیل دادند. روسیه و ایران همچنین در سال ۲۰۰۹ به توافق سوآپ گاز باهدف تأمین گاز شمال ایران و مبادله گاز تهران با متحدان مسکو در جنوب ایران دست یافتند. ایران در سال‌های اخیر افزایش شدیدی را در زمینهٔ تولید گاز و عرضه آن به بازارها تجربه کرده است به‌گونه‌ای که تخمین زده می‌شود در سال ۲۰۲۰ این افزایش به حدود ۷۰ میلیارد مترمکعب خواهد رسید. (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۲۰۵). اکنون، هم روسیه و هم ایران مایل به احیای پیوندهای فنی در زمینه گاز هستند. در صورت فعال بودن دیپلماسی انرژی، ایران می‌تواند به‌عنوان عضو مؤسس اوپک، با طرح خواسته‌های خود، از روسیه در زمینه گسترش همکاری‌ها بهره‌برد. روسیه نیز می‌تواند از طریق ایران بر اوپک اثر گذاشته و به اهداف خود، یعنی استفاده از اهرم انرژی جهت تحقق اهداف سیاست خارجی مسکو در مقابل غرب دست یابد (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۶).

نکته‌ای که باید توجه ویژه‌ای به آن نمود این است که روابط ایران و روسیه در دو مقطع دستخوش تغییرات اساسی شد. مقطع اول پیروزی انقلاب اسلامی بود که چرخشی اساسی در سیاست‌های جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا پدید آورد و به نگرانی‌های روسیه در مورد ایران پایان داد چرا که با پیروزی انقلاب و چرخش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایران به‌عنوان همسایه جنوبی روسیه و متحد آمریکا

از اردوگاه غرب خارج شد و این امر اطمینان خاطر روس‌ها را نسبت به همسایه جنوبی‌شان پدید آورد. مقطع دوم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود که منجر به تولد کشورهای جدید به‌عنوان حائل بین ایران و روسیه شد و پیدایش این کشورها به دغدغه‌های جمهوری اسلامی ایران نسبت به همسایگی با یک قدرت هژمون با سوابق تاریخی منفی پایان داد. بعد از این دو مقطع، آمریکا به‌شدت نسبت به همگرایی و اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه بیمناک شد تا جایی که ایجاد شکاف بین دو کشور که قدرت‌های تعیین‌کننده در غرب آسیا هستند به‌عنوان یک استراتژی اساسی در دستور کار آمریکا قرار گرفت.

۳- تأثیر آمریکا بر همگرایی و واگرایی ایران و روسیه

در حال حاضر ایران و روسیه دو بازیگر مهم و تأثیرگذار در سطح بین‌المللی تلقی می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌دلیل موقعیت برجسته‌ای که در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه و جهان اسلام دارد، یک قدرت منطقه‌ای با تأثیرگذاری جهانی است. به‌همین دلیل، روابط میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه به‌ویژه در برخی از حوزه‌های استراتژیک مانند همکاری‌های تسلیحاتی و یا همکاری در زمینه فناوری هسته‌ای از ابعاد بین‌المللی برخوردار شده است (اطهری و فیاضی، ۱۳۹۱: ۴۰). به‌عبارت دیگر به‌دلیل حساسیت موضوع در بسیاری از زمینه‌ها روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه در فضای محدود دو جانبه باقی‌نمانده است. حساسیت آمریکا نسبت به روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه، حتی موضوعات کم‌اهمیت در روابط دوجانبه میان دو کشور را به‌مثابه موضوعات مهم بین‌المللی برجسته ساخته است. بارزترین جلوه بین‌المللی شدن روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و روسیه در سال‌های اخیر در مسئله روابط هسته‌ای و همکاری دو کشور در بحران سوریه دو کشور تبلور پیدا کرده است (کتچر، ۲۰۰۹). منافع راهبردی مشترک یکی از مهم‌ترین دلایل همگرایی میان تهران و مسکو محسوب می‌شود.

۴- عوامل تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک دریای خزر و ایجاد بحران در حوزه دریای خزر

در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل ایجاد بحران و ناامنی را در این منطقه می‌توان به سه دسته تقسیم نمود.

دسته اول: عامل نیروی انسانی است که به دلایلی نظیر تکرر قومی، مذهبی، تنوع جمعیتی، ایجاد مرزبندی‌های جدید، تنوع ملی، تابعیت و عدم پذیرش نوع تقسیمی که در مرزها صورت گرفته است و یا سهمی که به این اقوام داده شده است، زمینه‌های اصلی چالش را فراهم آورده است.

دسته دوم: عامل حکومتی - سیاسی است که به شکل کشمکش‌های حکومتی در سطح ملی و یا در سطح فرو ملی در منطقه ظهور کرده و موجب بی‌ثباتی در منطقه گردیده است.

دسته سوم: عامل نظامی و سرویس‌های امنیتی است که به شکل دخالت و رقابت (کا.گ.ب) و سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل در کشورهای منطقه موجبات ایجاد بحران و ناآرامی را فراهم می‌کنند (ملکی، ۱۳۸۱: ۴۱). تمام این عوامل ایجاد بحران به همراه مسائل داخلی نظام حکومتی کشورهای تازه استقلال یافته حوزه خزر بر موقعیت ژئوپلیتیک منطقه و از جمله بر مسیرهای انتقال انرژی منطقه تأثیرگذار است؛ بنابراین دریای خزر برای کشورهای هم‌جوارش از چند جهت اهمیت ژئوپلیتیک عمده دارد (اسکلیارف، ۱۳۸۵: ۸۱):

۱. اتصال مناطق ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز و کشورهای ساحلی خزر به یکدیگر
۲. وجود منابع ارزشمند نفت و گاز
۳. حمل‌ونقل و کشتیرانی که ضرورتی حیاتی برای تجارت دریایی محسوب می‌شود
۴. وجود آبزیان ارزشمند از جمله ماهیان خاویاری.

۵- بررسی و ارزیابی مسیرهای انتقال نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی

بیشتر منابع انرژی نفت و گاز خزر مربوط به کشورهایی است که محصور در خشکی هستند و جهت صدور به بازارهای مصرف، احتیاج به انتقال از روش‌های مختلف و از طریق کشورهای همسایه دارند. جهت صادرات این منابع راه‌های مختلف وجود دارد که معمول‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف) روش معاوضه (سوآپ)

اصولاً روش معاوضه یا سوآپ نفت خام بین دو کشور، احتیاج به حصول شرایطی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نبودن مسیر مناسب برای انتقال از سوی کشور صادرکننده
۲. وجود مسیر مناسب با امکانات و تسهیلات لازم جهت صادرات در کشور هم‌جوار
۳. مناطق هم‌جوار با کشور صادرکننده نیاز به مصرف محصولات نفتی داشته باشد و میداین و پالایشگاه‌های کشور هم‌جوار از نواحی مصرف خود دور باشد.
۴. تولید نفت خام برای انجام معاملات سوآپ کافی باشد.
۵. وجود پالایشگاه‌ها، خطوط لوله مناسب برای انتقال، امکانات و تسهیلات بارگیری و اسکله‌ها
۶. توافق طرفین و وجود اراده سیاسی قوی برای انجام معاملات سوآپ (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۱-۱۳۲).

ب) روش انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله

این روش نیز از جهاتی صاحب‌امتیاز و برتری نسبت به روش معاوضه است و تقریباً تمام شرایطی که برای انتقال از روش معاوضه لازم است در این مورد نیز ضروری به‌نظر می‌رسد با این تفاوت که احتیاج به توسعه خطوط لوله بیشتر، سرمایه‌گذاری در امور فنی و ایجاد تسهیلات لازم مثل تعمیرات خطوط لوله قدیمی، ایجاد اسکله‌ها و پالایشگاه‌ها و ... رفع موانع سیاسی مسیر انتقال، ظرفیت‌سازی خطوط لوله و ... را دارد.

جدول شماره ۱: مسیرهای صادرات نفت منطقه خزر (حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۱۲۸-۱۲۹) و (نعمت الهی، ۱۳۷۹: ۳۵۲)

مسیر	ظرفیت خط لوله (بشکه در روز)	طول مسیر	سرمایه‌گذاری
باکو- تفلیس- جیحان	یک میلیون	۱۰۳۸ مایل	۲/۴-۳/۷ میلیارد دلار
باکو- سوپسا	۱۱۵ هزار، ۲۱۰ در ۲۰۰۲	۵۱۵ مایل	۶۰۰ میلیون دلار بدون افزایش ظرفیت
باکو- نوروسیسک از طریق چین	۱۰۰ هزار، افزایش تا ۳۰۰ هزار	۸۶۸ مایل (۹۰ مایل در چین)	۶۰۰ میلیون دلار برای افزایش ظرفیت تا ۳۰۰ هزار
باکو- نوروسیسک از طریق داغستان	خط لوله ۱۲۰ هزار (سال ۲۰۰۰) راه آهن و خط لوله ۱۶۰ هزار، ۳۶۰ هزار (سال ۲۰۰۵)	۲۰۴ مایل	۱۴۰ میلیون دلار
آترائو- سامارا (روسیه)	۲۱۰ هزار، افزایش تا ۳۱۰ هزار	۴۳۲ مایل	افزایش ظرفیت ۳۷/۵ میلیون دلار
تنگیز-نوروسیسک خط لوله CPC	فاز اول ۵۶۰ هزار- ظرفیت نهایی یک میلیون و ۳۴۰ هزار	۹۳۰ مایل	فاز یک، ۲/۴ میلیارد دلار، تکمیل نهایی، ۴/۲ میلیارد دلار
گاردابانی (آذربایجان)- باتومی (گرجستان)	نهایی نشده	تعمیر خط لوله موجود	نهایی نشده
باکو- تبریز	۲۰۰-۴۰۰ هزار	مسیر نهایی نشده	۵۰۰ میلیون دلار
بند نکا- تهران	۱۷۵ هزار افزایش تا ۳۷۰ هزار	۲۰۸ مایل	۴۰۰-۵۰۰ میلیون دلار
آکتوبینسک (قزاقستان)- شین جیانگ (چین)	۴۰۰-۸۰۰ هزار	۱۸۰۰ مایل	۳-۳/۵ میلیارد دلار
قزاقستان - ترکمنستان- ایران KTI	یک میلیون	۹۳۰ مایل	۱/۲ میلیارد دلار
بند دوبندی (آذربایجان)- بندر بانومی (گرجستان)	۷۰ هزار، افزایش تا ۱۴۰ هزار	راه آهن و ۱۴۴ مایل خط لوله (خاسوری- باتومی)	۷۰-۱۰۰ میلیون دلار برای تعمیرات خط لوله

مسیر	ظرفیت خط لوله (بشکه در روز)	طول مسیر	سرمایه‌گذاری
قزاقستان - ترکمنستان - افغانستان - گوادر (پاکستان)	یک میلیون	۱۰۴۰ مایل	۲/۵ میلیارد دلار
خط لوله دو قلوئی - ماوراء خزر	آکتائو - باکو - جیان	تعیین نشده، ۳۷۰ مایل تا باکو	۴ میلیارد دلار تا جیحان

جدول شماره ۲: مسیرهای صادرات گاز طبیعی دریای خزر (جلالی ۱۳۸۴: ۱۲۹ و ۱۳۰)

مسیر خط لوله	طول مسیر	ظرفیت میلیارد فوت مکعب در سال	سرمایه‌گذاری	وضعیت
باکو - تفلیس - ارزروم	۳۰۰ مایل تعمیرات خط لوله قاضی محمد - اقداش - قزاق (آذربایجان - گرجستان) ۱۷۴ مایل ادامه تا ارزروم	شروع ۱۷۵ افزایش تا ۳۵۰ ظرفیت نهایی ۵۶۵	۸۲ میلیون دلار تعمیرات در آذربایجان ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار ادامه گرجستان به ارزروم	مطالعات امکان‌سنجی توسط سفره گاز فرانسه انجام شده، تاریخ تکمیل ۲۰۰۲-۲۰۰۳
دولت‌آباد یا میادین باشلار ترکمنستان به مولتان پاکستان، احتمالاً ادامه تا هند	۹۰۰ مایل تا مولتان پاکستان - ۴۰۰ مایل اضافی به هند	۷۰۰	۱/۹ میلیارد دلار به پاکستان - ۵۰۰ میلیون دلار اضافی به هند	تفاهم‌نامه بیم ترکمنستان - پاکستان - افغانستان - ازبکستان مشکل مالی به خاطر جنگ افغانستان
آسیای مرکزی - روسیه - اروپا (ترکمنستان - قزاقستان - روسیه)	تأیید نشده - از شبکه خط لوله موجود استفاده می‌گردد	۳۵۰۰	از شبکه خطوط لوله موجود استفاده می‌گردد	ترکمنستان به منظور افزایش صادرات گاز به روسیه به ۱/۸ تا ۱/۲ تریلیون فوت مکعب تا سال ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶

مسیر خط لوله	طول مسیر	ظرفیت میلیارد فوت مکعب در سال	سرمایه‌گذاری	وضعیت
				قرارداد امضا نموده است.
ترکمنستان - شین جیانگ (چین)، احتمالاً ادامه تا ژاپن	۵۰۰۰ مایل، در صورت ادامه به ژاپن بیشتر خواهد بود	۱۰۰۰	۱۰ میلیارد دلار تا چین، در صورت ادامه تا ژاپن بیشتر خواهد شد.	مطالعات امکان‌سنجی اولیه توسط اکسون، میسوبیشی و شرکت ملی نفت چین
خط لوله دو قلو گاز ماوراء خزر، قزاقستان - باکو - چپان	نهایی نشده	نهایی نشده	نهایی نشده	مطالعات امکان‌سنجی در دسامبر ۱۹۹۸ توسط شل، شورون، موبیل و قزاقستان انجام شده
خط لوله ماوراء خزر، ترکمنباشی - باکو - ارزروم (ترانسخزر)	۱۰۵۴ مایل	۱۱۰۰	۲-۳ میلیارد دلار	مطالعات امکان‌سنجی توسط PSG و شل انجام شده تا سال ۲۰۰۶ به تاخیر افتاد
روسیه - ترکیه، از طریق گرجستان و ارمنستان	۱۲۵ مایل	۴۲۵	۲۵۰ میلیون دلار	شرکت گاز پرو در سال ۱۹۹۹ پروژه را تکمیل و راه‌اندازی کرد
ترکمنستان - ایرانکراپچه - کردکوی	۹۰ مایل	۲۸۳-۳۵۰ تا ۲۰۰۵ به ۷۷۷ و ۲۱۰۱۰ به ۱۱۰۰	۱۹۰ میلیون دلار ۳۰۰-۴۰۰ میلیون دلار برای توسعه تا ۲۰۰۵	دسامبر ۱۹۹۷ راه‌اندازی شد
ترکمنستان - ایران - سرخس - تهران	تأیید نشده	شروع: ۷۰۰ توسعه به ۱۸۰۰ تا ۲۱۰۰	۱/۲-۱/۵ میلیارد دلار	پیشنهاد شده
اوکارم	۱۳۵۰	۱۰۰۰	۳/۸-۴ میلیارد دلار	مطالعات امکان‌سنجی اولیه توسط رویال داچ/شل انجام و بایگانی شده است

۶- روش‌شناسی

کوتاه‌ترین و شیواترین تعریف سناریو^۱ را وندل بل بیان کرده است که سناریوها را محصول روش‌های آینده‌پژوهی می‌داند (وندل بل، ۲۰۰۳: ۳۱۷). وی بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه‌ی سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند. روش سناریو را می‌توان روشی برای خلاصه‌سازی نتایج تلاش‌های آینده‌پژوهی دانست. برخی سناریو را توصیف از وضعیت آینده و مجموعه‌ای از رخدادهایی که آن وضعیت را به وجود می‌آورند تعریف می‌کنند. سناریوپردازی، مجموعه گام‌هایی است که یک فرد یا سازمان می‌تواند طی کند تا آینده‌های ممکن را در جهت اخذ تصمیم‌گیری راهبردی زمان حال بررسی کند (ون در هیجن، ۲۰۰۵). امروزه کاربرد سناریو در طیف وسیعی از موقعیت‌ها همچون ارزیابی محیط جهانی (ون نویتن و دیگران، ۲۰۰۳)، سیاست‌گذاری‌های کلان و تصمیم‌سازی سیاسی، محیط‌های کسب‌وکار (شوارتز، ۱۹۹۱) صورت می‌گیرد؛ در مورد سناریوپردازی روش‌شناسی‌های مختلفی ارائه شده است. از دیدگاه هاس و هونتون، دو محقق برنامه‌ریزی سازمان‌ها، به‌طور فزاینده‌ای از تحلیل سناریوها استفاده می‌کنند که هدف اصلی آن پیش‌بینی آینده‌های ممکن است و تشخیص شرایطی است که منتهی به تغییرات بنیادین می‌شود. تحلیل سناریوها برخلاف روش‌های سنتی (که عمدتاً بر برون‌یابی گذشته استوار هستند) باعث تشویق برنامه‌ریزان برای تفکر گسترده‌تر و خلاقانه‌تر نسبت به آینده می‌شود. با بررسی روش‌های مختلف، فرآیندها و مراحل زیر کمابیش در روش‌های متفاوت دیده شده است که به‌صورت بالقوه قابلیت استفاده در طراحی سناریوهای این پژوهش را دارند.

- بنا نهادن یک گروه سناریوپردازی شامل تصمیم‌گیران کلیدی و ذینفعان اصلی
- مشخص کردن سؤال یا مسئله اصلی که باید به آن پاسخ داده شود.
- تعیین افق زمانی
- شناسایی تمایلات و روند تغییر تمایلات ذینفعان اصلی
- نگاشت روندهای پایه‌ای و نیروهای پیشران
- شناخت عدم قطعیت‌های بحرانی

1- scenario

- گروه‌بندی نیروهای پیشران، با تقلیل و تجمیع نیروهای پیشران که به هم مرتبط هستند می‌توان به تعداد محدود و معدودی سناریو رسید.
- تعریف و تدوین سناریوهای معدود معمولاً بین ۳ تا ۴ سناریو
- ارزیابی سناریوها بررسی صحت، اعتبار، ارتباط باهدف/مسئله تصمیم (شوارتز، ۱۹۹۱).

بر مبنای ماهیت تحولات در عرصه روابط بین‌الملل روش عدم قطعیت بحرانی بیشترین انطباق را با حوزه سناریوهای این تحقیق دارا است.

۷- شناسایی عوامل و روندهای مؤثر در همگرایی ایران و روسیه

روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه در طول تاریخ همواره نوسان داشته و این روابط متأثر از تحولات منطقه‌ای و جهانی بوده است. اکنون که روسیه دچار چالش جدی با غرب شده و آمریکا و اروپا رویکرد تحریمی نسبت به این کشور در پیش گرفته‌اند، چرخش روسیه به سمت ایران و برخی کشورهای آسیایی از جمله چین و هند بیش‌ازپیش حس می‌شود. بر این اساس می‌بینیم که روندهای سیاست خارجی جهان و پیشران‌هایی که موجب شکل‌گیری این روندها می‌شوند به سمت و سویی حرکت می‌کنند که دو مؤلفه زیر را تقویت می‌نمایند.

الف: واگرایی روسیه نسبت به غرب و آمریکا

ب: چرخش روسیه به سمت کشورهای آسیایی و غیرغربی

با نگاهی به تحولات روابط بین‌الملل و استراتژی بلندمدت روسیه در اروپای شرقی درمی‌یابیم که تقابل روسیه با غرب تا حدودی هم اجتناب‌ناپذیر بود، چرا که روسیه به دنبال احیای قدرت گذشته و هژمونی خود در زمان شوروی سابق است و آمریکا و اروپا به دنبال مقابله با این استراتژی روسیه هستند. به این ترتیب می‌بینیم که این تقابل موجب شکل‌گیری روندها و پیشران‌هایی می‌شود که سیاست خارجی این دو طیف را تشکیل می‌دهد. بر این اساس روندهای مؤثر و پیشران‌هایی که موجب همگرایی ایران و روسیه می‌شوند را می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد.

۱. تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو
۲. بحران گرجستان
۳. بحران اوکراین
۴. سپردفاع موشکی در لهستان و چک

۵. گسترش ناتو به شرق
۶. انقلاب‌های رنگین در کشورهای منشق شده از شوروی سابق
۷. انتشار اطلاعات مبتنی بر توسعه فناوری اطلاعات (پرونده اسنودن و ...)
۸. تحریم روسیه توسط غرب و اخراج از گروه جی ۸
۹. بحران سوریه و حمایت ایران و روسیه از سوریه
۱۰. منابع انرژی خزر.

با نگاهی به فهرست فوق درمی‌یابیم که ۶ پیشران از ۱۰ پیشران فوق تلاش غرب برای حضور در حیاط‌خلوت روسیه یعنی همان کشورهای منشق شده از شوروی سابق است.

۷-۱- تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو

استقلال کوزوو و دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی را می‌بایست در چارچوب رقابت‌های آمریکا و روسیه دانست. روسیه با تجزیه دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان توانسته است نفوذ خود را در دریای سیاه، شرق اروپا و جمهوری‌های بازمانده از شوروی سابق احیاء کند و سیطره خود را بر این مناطق حفظ نماید، همچنین مانع گسترش ناتو به نزدیکی مرزهای خود شود. از سوی دیگر آمریکا هم با حمایت از استقلال کوزوو و بهره‌برداری از بحران گرجستان پس از دو سال بحث و مذاکره و مخالفت شدید روسیه، توانست پیمان استقرار سامانه موشکی خود را با لهستان امضاء کند. به این ترتیب قدرت‌های بزرگ دانسته و یا ندانسته به بازی خطرناکی روی آورده‌اند که دامنه آن غیرقابل کنترل بوده و به این زودی‌ها تمام نخواهد شد. اعلام استقلال مناطقی جدایی طلب بدعت خطرناکی است که از سوی دو قدرت جهانی آمریکا و روسیه بر آن دامن زده می‌شود (بابا، ۱۳۸۸: ۹۸).

۷-۲- بحران گرجستان

اساساً روسیه نسبت به رویدادهایی که در حوزه امنیت ملی این کشور رخ می‌دهد حساسیت مضاعفی دارد. به این ترتیب تحولات منطقه قفقاز و اروپای شرقی همواره موجب حساسیت و اقدام روسیه در این حوزه شده است (واعظی، ۱۳۸۸: ۲۳۰). به عنوان مثال مسئله گرجستان که با تنش فراوان همراه بود و نهایتاً منجر به جدایی دو بخش از این کشور- آبخازیا و اوستیای جنوبی - و پیوستن گرجستان به ناتو شد، نمونه بارزی از تقابل روسیه با آمریکا و غرب در حوزه مسائل امنیتی مسکو بود که در این

مسئله ناتو تنها به اجرای یک مانور نظامی در دریای سیاه بسنده کرد و مسکو نشان داد که بر سر مسائل امنیتی حاضر به مباحثات نیست و درگیری روسیه و گرجستان نخستین کاربرد نیروی نظامی روسیه خارج از مرزهای کشور و حمله نظامی به یکی از متحدان غرب در دوره بیست‌ساله پس از جنگ سرد بود (واعظی، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

۷-۳- بحران اوکراین

بحران اوکراین نمونه جدی تقابل روسیه با غرب است که ارتعاشات آن در فضای دیپلماتیک بین‌المللی همچنان ادامه دارد. اوکراین منطقه‌ای بسیار مهم و استراتژیک است و در تمام تهاجم‌ها به روسیه مانند حمله ناپلئون، امپراتوری آلمان و آلمان نازی به‌عنوان سپر روسیه بوده است. هیچ‌یک از رهبران روسی در برابر کمک غرب برای ایجاد دولتی در اوکراین که قصد پیوند این کشور به غرب را دارد ساکت نمی‌مانند. شاید واشنگتن موقعیت مسکو را دوست نداشته باشد، اما باید منطق پشت آن را بفهمد. این‌یک اصل ژئوپلیتیک است که: قدرت‌های بزرگ همیشه به تهدیدهای بالقوه در نزدیکی محدوده‌شان حساس هستند. آمریکا هرگز استقرار یک نیروی نظامی بزرگ در هیچ کجای نیمکره غربی را نمی‌پذیرد چه برسد به استقرار آن در مرزهایش؛ بنابراین طبیعی است که روسیه نسبت به اوکراین واکنشی قاطع داشته باشد (میرشایمر، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

غرب به تحریم اقتصادی روسیه برای پایان دادن به حمایت‌های این کشور (روسیه) از شورشیان اوکراین شرقی روی آورده است. اکنون آمریکا و اتحادیه اروپا دور سوم تحریم‌هایشان را آغاز کردند، تحریم‌هایی که شخصیت‌های رده‌بالای نزدیک به دولت، بانک‌های بزرگ، شرکت‌های انرژی و مراکز دفاعی روسیه را هدف قرار می‌دهد. آنها همچنین تهدید کردند که دور سخت‌تری از تحریم‌ها که تمام بخش‌های اقتصاد روسیه را دربرمی‌گیرد، در راه است و آنها را اجرا خواهند کرد.

کشورهای غربی به‌ویژه آلمان در برابر وضع این تحریم‌ها مقاومت می‌کنند، چراکه می‌ترسند روسیه به‌گونه‌ای پاسخ این تحریم‌ها را بدهد که آسیب‌های شدیدی به اقتصاد اتحادیه اروپا وارد کند، اما حتی اگر آمریکا موفق به قانع کردن متحدان اروپایی‌اش شود تا تحریم‌های سخت‌تر وضع کند، احتمالاً پوتین تصمیمش را عوض نمی‌کند. تاریخ نشان داده که کشورها برای حفظ باورهای استراتژیک اصلی‌شان تنبیه‌های سخت را تحمل می‌کنند و هیچ دلیلی وجود ندارد که روسیه را مستثنی از این قاعده بدانیم. رهبران غربی در بحران اوکراین به سیاست‌های تحریک‌کننده‌ای چسبیده‌اند که روند

بحران اوکراین را در ابتدا تسریع کردند. این امر برای آنان هزینه‌های زیادی در پی داشت (میرشایمر، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

۷-۴- سپر دفاع موشکی در لهستان و چک

تلاش آمریکا برای استقرار سیستم دفاع ضد موشکی در منطقه اروپای شرقی نشان می‌دهد که آمریکا اهداف دیگری را دنبال می‌کند. روس‌ها بر این باورند که آنچه امروز از آن به‌عنوان مقابله با تهدید موشکی ایران و کره شمالی یاد می‌شود، پوششی جدید برای هدف اصلی استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپاست. آمریکا از مدت‌ها پیش درصدد تغییر موازنه استراتژیک در اروپا به‌نفع خود بوده است و ایجاد شرایطی که امکان یک حمله هسته‌ای پیش‌دستانه را به‌صورت بالقوه برایش حفظ کند، یک راهبرد بلندمدت در دکترین نظامی خود می‌داند. هدف اصلی سیستم دفاع ضد موشکی در اروپا، نه ایران بلکه روسیه است (امینی، ۱۳۸۶: ۲۴۵). بنابراین می‌توان گفت این مسئله هم به‌عنوان یکی از روندهای واگرایی غرب و روسیه در چارچوب پیشران‌های فوق محسوب می‌شود.

۷-۵- گسترش ناتو به شرق و گسترش اعضای اتحادیه اروپا

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ابتدا به‌عنوان یک رژیم امنیتی برای حفظ منافع دولت آمریکا در مقابل شوروی شکل گرفت ولی با فروپاشی این کشور، گسترش در کارکردهای آن، شکل‌گیری قواعد و عرف جدید و گسترش به شرق به‌صورت یک خیر همگانی باعث برقراری ثبات شده است^۱ (مرادی، ۱۳۸۰: ۳۰۳-۳۰۴).

آمریکا برای ایجاد نظم جدید در جهان و به‌ویژه در اروپا، به ناتو متکی است. ناتو تنها نهادی است که دخالت و نفوذ آمریکا را در اروپای شرقی مشروع جلوه می‌دهد و کسینجر آن را جایزه پیروزی در جنگ سرد می‌داند. آمریکا در دهه ۱۹۹۰ فرایند تحول ناتو برای تبدیل آن به ابزاری کارآمد برای هژمونی خود مدیریت کرده است (نای، ۱۹۹۰: ۳۳۵). این تحول در چند عرصه صورت گرفته است:

^۱ - Bertton woods sustem

۱. تبدیل ناتو به سازمانی سیاسی‌تر که هدف آن ایجاد ثبات و مدیریت بحران در کل قاره اروپاست. نقطه اوج این تحول در تدوین مفهوم استراتژیک جدید در سال ۱۹۹۱ قابل مشاهده است.
۲. مشارکت در صلح و ثبات، از سال ۱۹۹۵ محور اصلی فعالیت‌های ناتو ایجاد ثبات در منطقه بحران‌زده بالکان بوده است.
۳. پیدایی کارکردهای جدید از جمله اقتصاد سیاسی، مبارزه با مواد مخدر و مقابله با تروریسم.
۴. گسترش ناتو به شرق (قفقاز، بالکان، بالتیک، اسکاندیناوی).

به این ترتیب می‌بینیم که گسترش ناتو به شرق در مسیر محدودسازی حوزه ژئوپلیتیکی روسیه قرار دارد و روسیه در واقع گسترش ناتو را به‌عنوان بزرگ‌ترین خطر پس از پایان جنگ سرد می‌داند زیرا هنوز تفکر «حاصل جمع صفر» یا بی‌اعتمادی به تحولات ناتو پس از جنگ سرد در روسیه وجود دارد و این‌گونه تلقی می‌شود که گسترش ناتو و تحکیم موقعیت آن در اروپا، روسیه را از ایفای نقش مؤثر در امنیت اروپا بازخواهد داشت (رحمانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) به‌علاوه این روند موجب شده تا تمایلات ضد غربی در روسیه افزایش یابد که چشم‌انداز آینده آن، شروع تقابل و جنگ سردی جدید در قرن ۲۱ است.

۶-۷- انقلاب‌های رنگین در کشورهای منشق شده از شوروی سابق

انقلاب گل رز در گرجستان در اثر یک جنبش غیر خشونت‌بار به نام «کامارا» به پیروزی رسید. اگر در گرجستان به‌واسطه ورود ساکاشویلی و حامیان وی با شاخه‌های گل رز به مجلس، نام انقلاب رز بر آن نهاده شد، در مورد اوکراین نیز به‌واسطه استفاده از پرچم‌های نارنجی‌رنگ توسط تظاهرکنندگان، این انقلاب، نام نارنجی به خود گرفت. در قرقیزستان هم مردم ناراضی، از رنگ‌های صورتی و زرد در تظاهراتشان استفاده نمودند ولی به‌دلیل اینکه قرقیزستان دارای گونه‌های متنوعی از گل‌های لاله است نام این انقلاب نیز به انقلاب لاله‌ای قرقیزستان مشهور گشت. با نگاهی به ماهیت این انقلاب‌ها درمی‌یابیم که تمامی این جنبش‌ها حرکت‌هایی نرم، خزنده و بدون خشونت برای جابه‌جایی قدرت در کشورهای هدف بوده است. یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی انقلاب‌های رنگین این است که این تحولات کلاً در محیط سابق بلوک شرق یا به عبارتی در حیط خلوت روسیه حادث شده است، کشورهای واقع شده در اروپای شرقی،

مرکزی و جمهوری‌های سابق شوروی سال‌ها در سیطره نظامی روس‌ها بودند و آزادی‌های مدنی و اجتماعی افراد به شدت محدود می‌شد. روس‌ها هرگونه تحول خواهی مدنی را با خشونت پاسخ می‌دادند. عکس‌العمل روسیه نسبت به وقوع انقلاب‌های مخملی در محیط امنیتی و جمهوری‌های سابق خود غالباً واکنش آمریکا و کشورهای غربی را به دنبال داشته است که این کنش و واکنش موجب تقابل آمریکا و روسیه شده است (زرگر، ۱۳۸۱: ۱۱۶). برخی از ویژگی‌های انقلاب‌های رنگین را می‌توان چنین تشریح کرد:

۱. بهره‌گیری از بستر انتخابات (ادعای تقلب در انتخابات) به‌عنوان موقعیتی برای بسیج توده‌ای بر ضد رژیم‌های شبه دموکراتیک
۲. حمایت خارجی برای توسعه جنبش‌های محلی
۳. سازمان‌دهی جوانان رادیکال برای اجرای تاکتیک تظاهرات غیرمتمعارف قبل از انتخابات باهدف به تحلیل بردن محبوبیت رژیم و فراهم کردن بستر برای وارد کردن ضربه نهایی به آن
۴. وجود یک اپوزیسیون یکپارچه که تا حدودی با خارج در ارتباط است
۵. فشارهای دیپلماتیک خارجی و پایش گسترده و نظارت غیرمعمول انتخابات
۶. بسیج توده‌ای مردم برای تقلب آمیز جلوه دادن انتخابات و کاربرد تاکتیک مقاومت غیرخشونت‌بار باهدف تحت‌فشار گذاشتن هیئت‌حاکمه جهت پذیرش خواسته‌های اپوزیسیون و معترضین (بیزینگر^۱، ۲۰۰۵: ۱۲۰).

۷-۷- انتشار اطلاعات مبتنی بر توسعه فناوری اطلاعات (پرونده اسنودن و ...)

جاسوسی یکی از متداول‌ترین شیوه‌هایی است که کشورهای جهان برای آگاهی از حوزه‌های امنیتی و محیط پیرامون خود بکار می‌گیرند. شنود آمریکا از مکالمات سران کشورهای آلمان و فرانسه، افشاگری‌های ویکی‌لیکس و پناهندگی افسران اطلاعاتی کشورهای جهان نمونه‌های بارزی از این موارد است، اما در این میان یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های جاسوسی مربوط به ادوارد اسنودن افسر اطلاعاتی آمریکاست که به روسیه پناهنده شد. اگرچه از ابتدای ورود ادوارد اسنودن روس‌ها تلاش کردند نشان دهند که در این قضیه بی‌طرفی پیشه می‌کنند و در مواضع رسمی‌شان نیز روابط

¹ Mark R. Beissinger

با واشنگتن را بردادن پناهندگی و حمایت از اسنودن ترجیح دهند ولی در عمل مواضع تهاجمی دولت آمریکا نتوانست آنها را از اعطای پناهندگی به اسنودن منصرف سازد. روسیه پس از قضیه اسنودن پالس‌های تهدیدآمیزی از سوی آمریکا دریافت کرد که شامل موارد زیر می‌گردد: افزودن به لیست تحریمی‌ها، قانون ماگنیتسکی، تصویب قانون ضد روسی در آمریکا، کمک و حمایت از مخالفان پوتین و حمایت از تجزیه‌طلبان و لغو دیدار رسمی در خلال اجلاس جی ۸. روس‌ها تلاش بر مدیریت منطقی این وضعیت کردند و از همان ابتدا در مقابل فشارهای دولت آمریکا اعلام نمودند که هیچ نوع موافقت‌نامه‌ای مبنی بر استرداد مجرمین بین این دو وجود نداشته و پس از اعطای پناهندگی نیز آن را منطبق با قوانین روسیه دانستند.

اعطای پناهندگی و خویشن‌داری در قبال اظهارات و مواضع تند واشنگتن همگی نشان از عقلانیت و موضع واحد روسیه در قبال واشنگتن از یک‌سو و القای این نکته است که روسیه تمکین در قبال آمریکا را نپذیرفته و به‌عنوان قدرت بزرگ و رو به‌ظهور، خواهان ایفای نقشی فعال در جهان و پذیرش این نکته از سوی آمریکا است که عصر یک‌تازی‌ها و یک‌جانبه‌گری‌ها به پایان رسیده است، روسیه قدرتی است که سال‌هاست برای موازنه آمریکا و چالش هژمونی آن رقابت فعالی را در نیمکره شرقی و خاورمیانه آغاز کرده و معتقد است حل و مدیریت بحران‌های کنونی در جهان بدون حضور سایر قدرت‌ها امکان‌پذیر نیست (محبی نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

۷-۸- اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور

روسیه در واکنش به بحران اوکراین و سقوط دولت روس‌گرا در این کشور اقدام به تجزیه اوکراین کرد به‌دنبال این موضوع استان‌های روس تبار اوکراین هم که حس واگرایی نسبت به دولت مرکزی داشتند علم استقلال برپا کرده و بدین‌سان اوکراین گرفتار بحران داخلی و تجزیه فرسایشی شد. کشورهای گروه هشت هم که حاضر به درگیری با روسیه نبودند، در جریان نشست در هلند با انتشار اعلامیه‌ای در لاهه، ضمن محکومیت رسمی موضع‌گیری روسیه درباره تحولات اوکراین و استقلال شبه‌جزیره کریمه از این کشور، اخراج روسیه از گروه ۸ را اعلام و یک سلسله تحریم علیه روسیه اعمال کردند. اخراج روسیه از گروه هشت کشور صنعتی جهان از جمله معدود تقابلات جدی غرب با روسیه بود که این امر سرآغاز فصل جدیدی از مناسبات دیپلماتیک و منازعات سیاسی عرصه بین‌الملل را در پی داشت.

۷-۹- مواضع مشترک ایران و روسیه در بحران سوریه

بخش مهمی از سیاست خارجی سوریه در چارچوب استراتژی راهبردی روسیه تعریف شده است که با تمامی شاخص‌های راهبردی روسیه در قالب یک قدرت جهانی بزرگ هماهنگی دارد؛ همکاری روسیه با سوریه ماهیت اقماری دارد، به‌طور کلی باید بر این امر تأکید داشت که روابط روسیه و سوریه بخشی از ائتلاف ایدئولوژیک، امنیتی و یا ژئوپلیتیکی با روسیه را تشکیل می‌دهد (متقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۲)، به همین دلیل است که می‌بینیم روسیه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه سوریه را وتو نموده و تلاش‌های دیپلماتیک غرب به سرکردگی آمریکا برای اعمال فشار علیه سوریه در بسیاری موارد ناکام مانده است. مضافاً اینکه سوریه در چارچوب استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی در خاورمیانه و حمایت از مقاومت لبنان و تقویت محور مقاومت به رهبری ایران هم نقش مهم و بسزایی داشته است. به این ترتیب می‌بینیم که حمایت‌های دیپلماتیک روسیه و حمایت‌های میدانی جمهوری اسلامی ایران تاکنون مانع سقوط رژیم سوریه شده است و این مسئله از مهم‌ترین همگرایی‌ها و همکاری‌های طرفین (ایران و روسیه) در فراز و نشیب‌های سیاسی و نظامی در سوریه شده است.

در مجموع روابط سوریه و روسیه متأثر از دو عامل نظامی و اقتصادی است، در بعد نظامی پایگاه استراتژیک طرطوس را می‌توان به‌عنوان عامل نظامی همکاری این دو کشور معرفی کرد (هارمر^۱، ۲۰۱۲: ۹۶) در حوزه اقتصادی هم سوریه یکی از بازارهای استراتژیک روسیه محسوب می‌شود. مضافاً اینکه روسیه علاقه‌مند است تأثیر خود در خاورمیانه را بسط داده و یا در همین حد حفظ کند که این تأثیرگذاری عمدتاً در حمایت از سوریه و ایران تبلور می‌یابد (Bagdonas. 2012: 67).

۸- رتبه‌بندی نیروهای پیشران بر اساس درجه اهمیت و عدم قطعیت

بر پایه مطالعات انجام‌شده، ده روند به‌عنوان پیشران استخراج گردیده، رتبه‌بندی پیشران‌ها براساس درجه اهمیت آنها برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی و عدم قطعیت آنها صورت می‌گیرد. نکته اصلی شناسایی دو یا سه عامل یا روندی است که بیش از دیگران اهمیت داشته و یا بیش‌ترین عدم قطعیت را دارا باشند. برای مشخص کردن فضای سناریو، به پیشران‌های اصلی نیاز داریم که دارای بالاترین اولویت از نظر اثرگذاری و همچنین بالاترین

^۱ - Harmer

اثرپذیری و عدم قطعیت باشند. با توجه به بررسی روابط و وابستگی بین ده پیشران اولویت‌دار یادشده با استفاده از نظر نخبگان می‌توانیم این کار را انجام دهیم. در این راستا، از نرم‌افزار میک مک بهره گرفتیم. در این نرم‌افزار با مقایسه پیشران‌ها به صورت دودویی و با دریافت نظر خبرگان، تأثیر و اهمیت هر یک از پیشران‌ها را نسبت به پیشران‌های دیگر از خبرگان مشخص می‌کنیم، ارتباط هر پیشران با خودش صفر در نظر گرفته می‌شود و چنانچه یک پیشران با پیشران دیگر هیچ ارتباطی نداشته باشد امتیاز آن صفر خواهد بود. ارتباط ضعیف امتیاز یک، ارتباط متوسط امتیاز دو و ارتباط زیاد امتیاز سه را به خود اختصاص خواهد داد. امتیازهای داده‌شده از سوی پانل خبرگان در ماتریس ذیل آمده است. در هر مورد، متوسط امتیازهای داده‌شده در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۳: ماتریس امتیازات رابطه هر پیشران نسبت به پیشران‌های دیگر

گسترش ناتو به شرق	رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر	اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب	سپر دفاع موشکی در لهستان و چک	بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران	منابع انرژی خزر	بحران اوکراین	بحران گرجستان	انقلاب‌های رنگین کشورهای منشق شده از شوروی سابق	تقابل روسیه و غرب در بحران کوزوو
گسترش ناتو به شرق	۰	۲	۲	۱	۱	۲	۲	۲	۲
رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر	۳	۰	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۱
اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۱	۱	۱
سپر دفاع موشکی در لهستان و چک	۲	۱	۲	۰	۲	۲	۱	۲	۲
بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران	۲	۲	۲	۱	۰	۲	۱	۲	۲
منابع انرژی خزر	۲	۲	۲	۱	۲	۰	۲	۲	۲
بحران اوکراین	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۱	۲	۲

گسترش ناتو به شرق	۴	۱	۲	۲	۴	۴	۴	۰	۲	۲
رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر	۲	۱	۱	۱	۳	۳	۳	۱	۰	۱
اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب	۳	۲	۱	۱	۲	۳	۲	۱	۱	۰
سپر دفاع موشکی در لهستان و چک										
بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران										
منابع انرژی خزر										
بحران اوکراین										
بحران گرجستان										
انقلاب‌های رنگین کشورهای منشق شده از شوروی سابق										
تقابل روسیه و غرب در بحران کوزوو										

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بیشترین امتیازات در سطرهای مربوط به بحران اوکراین، منابع انرژی خزر و گسترش ناتو به شرق است.

جدول شماره ۴: جدول امتیازات پیشران‌ها بر مبنای نظر خبرگان

جمع امتیاز ستون‌ها	جمع امتیاز سطرها	پیشران‌ها
۲۶	۲۰	گسترش ناتو به شرق
۱۷	۲۰	رقابت‌های جاسوسی برای دسترسی به اطلاعات سری یکدیگر
۲۱	۱۸	اخراج روسیه از گروه جی ۸ و تحریم این کشور توسط غرب
۱۲	۲۱	سپر دفاع موشکی در لهستان و چک
۲۱	۱۸	بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران
۲۶	۲۵	منابع انرژی خزر
۲۶	۲۲	بحران اوکراین
۱۳	۲۱	بحران گرجستان
۱۹	۱۶	انقلاب‌های رنگین در کشورهای منشق شده از شوروی سابق
۱۷	۱۶	تقابل روسیه و غرب در استقلال کوزوو

جدول شماره ۵: دسته‌بندی عوامل مهم و پیشران‌های شناسایی شده

تأثیر	زیاد	<ul style="list-style-type: none"> ▪ منابع انرژی خزر ▪ بحران اکراین ▪ گسترش ناتو به شرق
	متوسط	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بحران سوریه و مواضع مشترک مسکو و تهران ▪ اخراج از گروه جی ۸ و تحریم روسیه
	کم	<ul style="list-style-type: none"> ▪ رقابت‌های جاسوسی ▪ بحران گرجستان ▪ انقلاب‌های رنگین ▪ سپر دفاع موشکی در لهستان و چک

کم متوسط زیاد

اهمیت

عدم قطعیت

۸-۱- سناریوهای همگرایی ایران و روسیه

سناریوسازی برخلاف تصور عامیانه‌ای، تنها به منظور شناسایی محتمل‌ترین آینده یا شناسایی آینده‌های مطلوب (خوش‌بینانه) و نامطلوب (بدبینانه) نیست، بلکه اصلی‌ترین کارکرد سناریوها، شناسایی آینده‌های متنوع و باورپذیری است که هر یک می‌تواند تحقق یابد و در صورتی که تحقق یابد، منجر به تأثیرات متعددی بر موضوع مورد بحث می‌شود، به این ترتیب سناریوها در بردارنده شرایطی هستند که در آن شرایط همگرایی ایران و روسیه می‌تواند به شدت تحت تأثیر قرار بگیرد. سناریوها باید بیش از هر موضوعی بتوانند تهدیدات استراتژیک را ترسیم کنند. در هر یک از سناریوها برخی

از عوامل تأثیرگذار به صورت بهتری می‌توانند به ایفای نقش بپردازند و بر همین اساس نیز می‌توانند رویدادهای مختلفی را نیز تحقق بخشند. در این مطالعه از روش‌شناسی «عدم قطعیت‌های بحرانی» استفاده شده است. بر اساس روش عدم قطعیت‌های بحرانی لازم است تا اصلی‌ترین عدم قطعیت‌هایی که آینده را شکل می‌دهند، شناسایی شوند. بر این اساس لازم است تا مهم‌ترین موضوعاتی که واجد شرایط زیر باشند، شناسایی شوند:

۱. موضوعی که اهمیت بالایی در فضای روابط بین‌الملل داشته باشد، بر آینده منافع ملی ایران و روسیه نیز تأثیرگذار باشد. بر این اساس می‌توان گفت این موضوعات به عنوان عدم قطعیت‌هایی مهم در زمره اولویت‌های مؤثر طبقه‌بندی می‌شوند.

۲. عدم قطعیت شدید و عمیقی داشته باشند. به عبارت دیگر نتوان با اطمینان بالایی در خصوص آن سخن گفت. این عدم قطعیت را می‌توان در روابط روسیه و غرب بررسی نمود. در روش عدم قطعیت‌های بحرانی تلاش می‌شود تا موضوعاتی محور اصلی بحث شوند که هم‌زمان هم اهمیت بالایی دارند و هم آن‌که دارای عدم قطعیت باشند. به این منظور لازم است تا ابتدا فهرستی از موضوعات تهیه شود و سپس «عدم قطعیت‌های بحرانی» شناسایی شوند؛ و از آن‌ها به عنوان محورهای بحث بهره گرفته شود. بر این اساس عدم قطعیت‌ها نوشته می‌شوند.

در سال‌های گذشته تغییرات در حوزه روابط بین‌الملل و روابط روسیه با غرب گسترده بوده است. شرایط کنونی امکان تغییرات بنیادی در فضای جهانی را فراهم می‌کند، این تغییرات به نوبه خود می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در این راستا با برخورد با عوامل دیگر خود می‌تواند به ایجاد یا رفع تهدیدات نوظهوری که در جریان تغییرات گسترده جهان ایجاد می‌شود منجر گردد.

۸-۲- فضای سناریوها

سناریوها از تقاطع میان عدم قطعیت‌های بحرانی شکل گرفته است. به این ترتیب آن گونه که بیان شده است، می‌توان به سه سناریوی اصلی اشاره نمود:

- عادی بودن روابط ایران و روسیه
- روابط ایران و روسیه بر مبنای همگرایی

- اتحاد استراتژیک ایران و روسیه بر مبنای منابع دریای خزر
 - اتحاد مقطعی و قابل‌تأمل ایران و روسیه بر اساس نیاز مسکو
- هر سناریویی از کنش و تعامل عوامل تأثیرگذار مختلف ساخته می‌شود.

سناریو ۱: عادی بودن روابط ایران و روسیه

این سناریو تقریباً از غیرمحمتم‌ترین سناریوهای موجود در فضای سناریویی ما است چراکه روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی و ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای را که در حوزه ژئوپلیتیک خزر دارای مرزهای آبی و منافع مشترک هستند، نمی‌توان به گونه‌ای تصور کرد که روابط این دو کشور عادی باشد. همچنین دو کشور نمی‌توانند نسبت به انتقال انرژی خزر و حضور کشورهای دیگر در خزر بی‌تفاوت باشند.

سناریو ۲: روابط ایران و روسیه بر مبنای همگرایی

ایران و روسیه در طول تاریخ همواره روابط پرفرازونشیبی را تجربه کرده‌اند. در دوران صفویه روابط ایران با روسیه مبتنی بر همکاری بود، در دوران قاجار به خصومت تبدیل شد و در دوران پهلوی هم این روابط خصمانه و گاه دوستانه بود اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و روسیه - که در آن زمان شوروی بود - بعد از گذشت یک دهه شکل ثابتی به خود گرفت و همکاری‌های دو کشور تقریباً از سال ۱۳۶۸ آغاز شد. با فروپاشی شوروی و شکل‌گیری نظام تک‌قطبی بر اساس نظم نوین جهانی، ایالات متحده آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان تلاش مضاعفی کرد؛ اما اتحادیه اروپا و روسیه دو قطب مخالف این نظم بودند، به این ترتیب روسیه غالباً منابع خود را پیگیری می‌نمود. درگیر و دار این مسائل منافع روسیه و آمریکا به تلاقی سنگینی رسید که منجر به تقابل جدی بین روسیه و غرب شد. این مسئله موجب گردید تا روسیه در سیاست‌های خود به واگرایی با غرب برسد. این فرصت بهترین فرصت برای ایران است تا بتواند در کنار روسیه منافع ملی خود را تأمین کند. واگذاری سامانه‌های موشکی اس ۳۰۰ به ایران، همکاری بیشتر برای حل مسئله هسته‌ای ایران و توسعه روابط ایران و روسیه از جمله مواردی هستند که می‌توان نشانه‌های همگرایی ایران و روسیه را در آن مشاهده کرد.

سناریو ۳: اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه بر پایه منابع دریای خزر

هرچند ایران خواستار رسیدن به این نقطه است که اتحادی راهبردی با روسیه داشته باشد اما واقعیت این است که منافع ملی دو طرف در برخی مسائل دچار تناقض است و همچنین تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند که روس‌ها در بزنگاه‌های مختلفی که بارزترین آن را می‌توان آخرین قطعنامه شورای امنیت برای تحریم ایران دانست، تهران را تنها گذاشته‌اند. روس‌ها با کشورهایی اتحاد استراتژیک منعقد می‌کنند که سیاست خارجی خود را در چارچوب استراتژی راهبردی مسکو و به‌عنوان اقرار این کشور تعریف کنند و این شاخص‌ها با تمامی شاخص‌های راهبردی روسیه در قالب یک قدرت جهانی بزرگ هماهنگی داشته باشد. اگر در حال حاضر نتوانیم روابط ایران و روسیه را در قالب اتحاد استراتژیک تعریف کنیم، واقعیت این است که این رابطه هم‌اکنون از همگرایی هم بالاتر و مستحکم‌تر است؛ بنابراین دو کشور در برهه فعلی رابطه‌ای تعمیق یافته و وسیع‌تری را تجربه می‌کنند، به‌ویژه اینکه نزدیک شدن مسکو و تهران متضمن منافع مشترکی است که از هیچ رهگذر دیگری تأمین نمی‌شود. بر این اساس باید بگوییم انتقال انرژی خزر می‌تواند بهترین بستر برای همکاری و همگرایی ایران و روسیه باشد. واقعیت این است که دو کشور به‌دلیل دارا بودن حجم عظیمی از ذخایر نفت و گاز و نزدیکی جغرافیایی می‌توانند به‌عنوان مکمل یکدیگر اقدام‌ها و فعالیت‌های بسیار مفید و سازنده‌ای در زمینه تجارت جهانی و انرژی داشته باشند.

سناریو ۴: اتحاد مقطعی ایران و روسیه

همکاری و مشارکت ایران و روسیه در این سناریو مبتنی بر شرایطی متفاوت است؛ چه آنکه روسیه در رویای کسب جایگاه ابرقدرتی در سطح جهان است (Rywkin, 2008:13). کشوری که از یک‌طرف به لحاظ امنیتی دارای توان نظامی و فنی و از لحاظ سیاسی، دارای حق و تو در سازمان ملل است. همچنین از طرف دیگر، در رویای ایفای نقش ابرقدرتی است و وجود هرگونه رقیب برای مشارکت (در اینجا خزر) را بر نمی‌تابد. هرچند روسیه در عرصه نظام بین‌الملل قائل به نظام چندقطبی برای ایجاد توازن در برابر سلطه آمریکاست (Adomeit, 2006: 8)، اما این دلیل نمی‌شود که رقبای منطقه‌ای خود را نادیده بگیرد یا پیمان ائتلاف دائمی با آن‌ها ببندد؛ بنابراین روسیه به دنبال منافع و امنیت خود است و حمایتش از ایران در راستای منافع خود در نتیجه مقطعی و سطحی خواهد بود. علی‌رغم اینکه بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که روسیه به ایران خیلی

نزدیک و حتی علیه آمریکا باهم متحد هستند، واقعیت دقیقاً برعکس است، روسیه از لحاظ تاریخی رقیبی امپریالیست، مهاجمی استعمارگر و دشمنی ملحد برای ایران بوده است.

روس‌ها توازنی را بین جلوگیری از دستیابی ایران به فناوری‌های مدرن و همکاری نزدیک به وجود آورده‌اند. ایران نیز بنا بر اضطرار، جایگاه و شرایط بین‌المللی خود، چنین وضعیتی را پذیرفته است. به همین دلیل روسیه نسبت به سایر بازیگران بین‌المللی دارای بیشترین نفوذ در تهران است (Adomeit. 2006: 8). بدون شک روابط ایران و روسیه هیچ‌گاه منحصر به روابط تهران و مسکو نبوده و پیوسته عنصر بین‌المللی بر آن اثرگذار بوده است. (سجادپور، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

عنصر بین‌المللی در اینجا آمریکاست، که باعث شده ایران و روسیه علایق و منافع مشترک خود را در آسیای میانه و قفقاز دنبال کنند (نیاکویی و میرزازاده: ۱۲۸).

برخی تحلیلگران و حتی مسئولان جمهوری اسلامی اعتقاد دارند که هم‌اکنون روسیه شریک استراتژیک ایران است، درحالی‌که همکاری بین ایران و روسیه، شراکتی استراتژیک نیست بلکه نوعی همکاری عمل‌گرایانه است که سطح آن و میزان همکاری توسط روسیه تعیین می‌شود (Dinipsjough. 2009: 6). روسیه به‌عنوان بازیگر مسلط منطقه‌ای برای بازیابی خود به دنبال احیای قدرت از دست‌رفته خود است و در همین راستا بازی‌های منطقه‌ای را مدیریت می‌کند.

از منظر دورنمای صنعت انرژی، ایران رقیب روسیه برای دسترسی به بازار گاز اروپاست و شاید تحت شرایط ژئوپلیتیکی متفاوت بتواند به‌عنوان مسیر ترانزیت رقیب برای صدور انرژی خزر عمل کند (Jaffe & et al. 2009: 12)، اما اکنون روسیه دریافته است که می‌تواند قدرت ژئواستراتژیک خود را از طریق همکاری با ایران پیش ببرد.

به این ترتیب می‌بینیم که در این سناریو روسیه صرفاً باهدف تأمین منافع خود و به‌صورت مقطعی کنار ایران قرار گرفته و بعد از دوره‌ای که منافعش تأمین شد این همکاری هم کم‌رنگ خواهد شد. کما اینکه تاکنون هم همین‌طور بوده است. به‌عنوان مثال می‌بینیم که روسیه علی‌رغم داشتن روابط خوب با ایران هیچ‌گاه قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران را وتو نکرده است.

۹- نتیجه‌گیری

با این بررسی می‌توان دریافت که دو کشور ایران و روسیه در شرایط محیطی بین‌المللی به نسبت با یک دهه پیش از آن، با تحولاتی روبرو شده‌اند که بستر نوینی را برای همکاری دو کشور فراهم‌شده است. دو کشور برای همکاری درزمینه انرژی تمایل دارند، همچنین توسعه فازهای پارس جنوبی، همکاری درزمینه انتقال نفت خام دریای خزر به دریای عمان (خطلوله نکا- جاسک)، ساخت پالایشگاه در شمال کشور، بررسی و مطالعه و اجرای توسعه میدان آزادگان شمالی مورد تأکید قرار گرفته است، طرح معاوضه گاز در شمال کشور و بهره‌برداری و فروش آن در جنوب برای کشورهای مصرف‌کننده گاز از دیگر توافقاتها با شرکت گازپروم است. مشارکت شرکت‌های روس در پروژه‌های بزرگ نفت و گاز ایران، نشان می‌دهد که توجه سرمایه‌های روسی به بازار ایران روزبه‌روز افزایش می‌یابد. با در نظر گرفتن تمام جوانب برای همکاری ایران و روسیه باید گفت روسیه در مقاطعی باهدف حذف رقبا دیگر و شکست برخی طرح‌های انرژی کشورهای غربی مثل (باکو - تفلیس - جیحان) به‌صورت ابزاری از برخی طرح‌های ایران در منطقه حمایت کرده و حتی خواستار مشارکت خود در این طرح‌ها شده است، که برهه فعلی از شرایطی است که روسیه هم به‌لحاظ عینی و هم به‌لحاظ ذهنی آمادگی همکاری و همگرایی با ایران را دارد.

بر این اساس همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد اجرای خطلوله (باکو- تفلیس - جیحان) نشان داد که آمریکا و غرب مجدانه پیگیر حذف ایران و روسیه از پروژه انتقال انرژی خزر هستند؛ لذا این اقدام آمریکا و غرب هشدار می‌دهد که ایران و روسیه برای اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه و سریع درباره سرنوشت انرژی خزر است. در نتیجه همکاری و همسویی دو کشور کافی است تا غرب را تقریباً در برابر همگرایی ایران و روسیه منفعل کند، مضافاً اینکه کشورهای میزبان خطوط لوله نوباکو و باکو - تفلیس - جیحان توان پر کردن ظرفیت این خطوط را ندارند و ناچارند برای تکمیل ظرفیت این خطوط از کشورهای ایران و روسیه کمک بگیرند که این امر خود زمینه کاهش اقتدار غرب و همگرایی ایران و روسیه را در صدور انرژی فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر همکاری روسیه و ایران می‌تواند زمینه‌ساز پیوستن سایر کشورهای ساحل خزر به این جمع باشد بنابراین باید منتظر عزم جدی ایران و روسیه برای اتخاذ رویکرد مشترکی جهت همگرایی در منطقه خزر بود تا زمینه برای توسعه روابط با سایر

کشورها بیش‌ازپیش فراهم شود. ایران باگذشت بیش از یک دهه از پرونده هسته‌ای‌اش می‌رود که گام‌های نهایی را برای تکمیل این پروژه بردارد و تکمیل پروژه هسته‌ای ایران یعنی فراغ بال برای دستگاه دیپلماسی جهت تعامل بهتر در موضع قوی‌تر با کشورهای منطقه و جهان است.



منابع

- ابراهیمی، محمد. (۱۳۸۴). «استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت‌ها و اقدامات». *مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- اسکلیارف، لئونید. (۱۳۷۵). «کشورهای حوزه دریای خزر در قرن ۲۱: منطقه رقابت یا همکاری». ترجمه: مهرداد محسنین. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۱۴. اطهری، سید اسدا... و فیاضی، عبدالناصر. (۱۳۹۱). «تأثیر ایالات متحده آمریکا بر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه». *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۸۲. ۵۱-۳۰.
- امینی، محمدصادق. (۱۳۸۶). *دوماهنامه گزارش*. سال دهم. شماره ۱۸۷.
- آریانفر، عزیز. (۱۳۸۴). «نقش منابع انرژی در همگرایی و همکاری منطقه‌ای». *مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز - آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- الیسون، روی. (۱۳۸۳). *امنیت در آسیای مرکزی*. ترجمه: محمدرضا دبیری. تهران: وزارت امور خارجه.
- بابا، علی‌اکبر. (۱۳۸۸). «مقایسه تطبیقی استقلال جمهوری‌های خودمختار آبخازیا و اوستیای جنوبی با استقلال کوزوو». *فصلنامه سیاست خارجی*. شماره ۲. ۵۰۷-۴۹۱.
- بهمن، شعیب. (۱۳۸۹). «رویکردها و مسائل اساسی در روابط ایران و روسیه». *ماهنامه خلیج فارس و امنیت*. شماره ۱۱.
- پایگاه خبری - تحلیلی انتخاب. (۱۳۹۳/۱/۵). در: کد خبر: ۱۵۳۴۹۶.
- جعفری، علی‌اکبر و تقی‌نژاد، روح‌الله. (۱۳۹۱). «بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه: از الزامات انرژی محور تا اقتضانات فناوری پایه». *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۸۰. ۸۳-۵۷.
- جلالی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «ذخایر هیدروکربنی دریای خزر: خطوط لوله نفت و گاز». *مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز - آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۱۹۹۱-۲۰۰۱)*. چاپ دوم. تهران: وزارت امور خارجه.

- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۸). «تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خزر». *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. شماره ۲۷. ۱۸-۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). «تعریفی نو از ژئوپلیتیک». *تحقیقات جغرافیایی*. شماره ۳ و ۴. ۷۱-۸۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۲). «جزوه درسی نظریه‌های ژئوپلیتیک» در: گروه جغرافیای سیاسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران. ایران.
- رحمانی، منصور. (۱۳۸۴). «گسترش ناتو و تحول نظام امنیتی اروپا». *فصلنامه سیاست دفاعی*. شماره ۵۰. ۸۳-۱۱۴.
- زرگر، افشین. (۱۳۸۶). «ابعاد و ماهیت انقلاب‌های رنگین». *فصلنامه خط اول*. شماره ۳. ۱۲۷-۱۰۵.
- سامانی، نیلوفر. (۱۳۸۶). «ایران و روسیه: زمینه‌های امتناع و امکان همکاری‌های نفت و گاز» در میزگرد همکاری‌های انرژی ایران و روسیه: مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی. سجادپور، سید محمدکاظم. (۱۳۸۷). *عنصر بین‌الملل در روابط ایران و روسیه*. تهران: وزارت امور خارجه.
- شوری، محمود. (۱۳۸۸). «روسیه، آمریکا و مسئله ایران». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۵۱. ۷۳-۵۹.
- صادقی، سید شمس‌الدین و مرادی، سمیرا. (۱۳۹۶). «ایران پساتحریم و چشم‌انداز ائتلاف راهبردی با روسیه». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. شماره ۲۰. ۲۱۶-۱۸۹.
- عزتی، عزت‌اله. (۱۳۸۰). *ژئوپلیتیک در قرن ۲۱*. تهران: سمت.
- قربان، نرسی. (۱۳۸۹). «نقش ایران در تعاملات نفت و گاز حوزه دریای خزر». *مجموعه مقالات همایش ملی نفت و سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۷). «ایران و روسیه در گذر تاریخ محیط امنیتی و مسئله تهدید و اتحاد». *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. شماره ۷۵. ۶۵-۹۷.
- کیانی، داود و خان‌محمدی، زهره. (۱۳۹۲). «واکاوی علل حضور روسیه در سوریه». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۶۹. ۸۷-۱۱۴.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۹). «روابط ایران و روسیه در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸، بسترها، عوامل و محدودیت‌ها». *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*. شماره ۶. ۱۳۶-۱۱۱.

- متقی، ابراهیم و دیگران. (۱۳۹۳). «عمل‌گرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه». *فصلنامه راهبرد دفاعی*. شماره ۴۶. ۱۴۷-۱۱۷.
- مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۷۹). «رژیم حقوقی دریای خزر، تصویری ژئوپلیتیک از مانعی در راه همکاری اقتصادی». *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. شماره ۱۶۲-۱۶۳.
- محبی‌نیا، جهانبخش و صالحی، منصور. (۱۳۹۲). «جنگ سرد نوین در روابط روسیه و آمریکا». *پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل*. شماره ۲۴. ۱۲۴-۸۹.
- مرادی، مریم. (۱۳۸۰). «استمرار و تغییر در سیاست خارجی آمریکا». *مجله راهبرد*. شماره ۲۲. ۳۱۶-۳۰۲.
- ملکی، عباس. (۱۳۸۰). «سه دیدگاه در یک میزگرد در: میزگرد چشم‌انداز امنیتی دریای خزر». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۲۰.
- ملکی، عباس. (۱۳۸۱). «خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران با تکیه بر مورد خزر». *دانشگاه عالی دفاع ملی*.
- میرشایمر، جان جی. «بحران اوکراین اشتباه کیست». ترجمه: صبا نائلی، *فصلنامه چشم‌انداز ایران*. شماره ۸۹.
- نعمت‌الله، مهدی. (۱۳۷۹). «مسیرهای صادرات نفت و گاز دریای خزر واقعیات و تصورات». *مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی منابع نفت و گاز خاورمیانه و دریای خزر*. تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- نیاکویی، سید امیر و میرزازاده، فرامرز. (۱۳۹۲). «رقابت قدرت‌ها، ژئوپلیتیک خزر و منافع ملی ایران». *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. شماره ۱۰. ۱۳۶-۱۱۱.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۸). «پیامدهای بحران گرجستان». *فصلنامه راهبرد*. شماره ۵۱. ۷-۳۹.

References

- Adomeit, Annes. (2006). Russia's Iran Policy: Constructive Engagement or Strategic Challenge?, Issue, (3), July.
- Azuolas, Bagdonas. (2012). Russia's Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit. *European Journal of Economic and Political Studies* (ejeps), Vol.5, No.2.
- Bagdonas, Azuolas. (2012). Russia's Interests in the Syrian Conflict: Power, Prestige, and Profit. *European Journal of Economic and Political Studies*, Available at: www.ejeps.com, Accessed on: 23 Jun/ 2016

- Beissinger, Mark. R, Modrev. (2007). Retrieved on:
<http://www.polisci.wisc.edu>. Pdf.
- Beissinger, Mark. R. (2005). Structure and Example in Modular Political Phenomenon: The Diffusion of Bulldozer/Rose/Orange/Tulip Revolution. Department of political Science. University of Wisconsin-Madison.
- Blank. Stephen J. (2007). U.S. Interests in Central Asia and the Challenges to BP Statistical Review of World Energy. (2009). Retrieved on <http://www.bp.com> British Petroleum.
- Current Affairs Commentary, Washington, 18 August.
- Dannreuther, Ronald & March, Luke. (2010). Iran and Russia, from Ideslism to Pragmatism in State Society and Radicalism. London: Routledge.
- Dinpajouh, Mona. (2009). Foreign Policy Towards Iran Under Vladimir Putin: 2000-2008. A Thesis Submitted to the School of Social Science of Middle East Technical University.
- Harmer, Christopher. (2012). Russian Naval Base Tartus. Publisher: Institute for the Study of War (ISW).
- Jaffe, Amy M. (2009). Russia and the Caspian States in the Global Energy Balance Institute for Public Policy, (May 6).
- Katcher. Ben, Russia. (2009). Iran, and the United States. Political and
- Kemp, Geoffrey. (1997). Energy SUPERBOWL Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin. Washington D.C: The Nixon Center.
- Koolae, Elaheh. (2012). Iran and Russia, from Ideslism to Pragmatism. in: Ronald Dannreuther and Luke March (eds), London: Russia and Islam.
- Nye, Joseph s. (1990). Bound to lead: The Changing Nature of American Power. New York Basic Books.
- Rywwin, Michael. (2008). Russia: In Quest of Superpower Status. American Foreign Policy Interest, (30).
- Them, Strategic Studies Institute, March.